

نگاهی به گفتار و پیام های نوروزی

"من امیدوارم که در این سالی که وارد شدیم به مبارگی و میمنت یک سالی باشد که ما و همه ملت دست به هم بدهند و این خوابی ها را بسازند (امام خمینی)"

امام خمینی و مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی ایران ، طی پیام ها و گفتارهای نوروزی خود با تحلیل از استبداد قهرمانانه مردم در برابر توطئه های جبهه متحد ضدانقلاب سرکردگی امریکای جنایتکار ، مبارزات شورانگیز و ایثار و فداکاری مردم را در حفظ دستاوردهای انقلاب مورد ستایش قرار داده و همه اقشار مردم را به اتحاد برای سازندگی کشور فراخواندند .

امام خمینی طی گفتاری در نخستین ساعات سال جدید ، در دیدار و سلام نوروزی رئیس جمهور ، رئیس مجلس و نمایندگان مجلس ، نخست وزیر و اعضای هیئت دولت ، رئیس دیوان عالی کشور و اعضای شورای عالی قضایی ، اعضای شورای نگهبان ، جمعی دیگر مسئولان و مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی ، بار دیگر از توطئه های رنگارنگ ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران برده برداشت و پیرامون ماسک اسلام خواهی که ضدانقلاب بر چهره می زند ، به مردم و مقامات مسئول جمهوری هشدار دادند .

امام خمینی در بخشی از سخنان خود گفت :

" شما می دانید که اگر این جمهوری از بین برود ، این مجلس از بین برود ، این رئیس جمهور از بین برود ، به جای او یک ماموری از امریکای آید ممکن است خیلی هم مقدس مآب باشد ، مثل مقدس مآب رئیس شهربانی قم در زمان مرحوم آقای بروجردی ، خیلی هم مقدس مآب باشد ، لاکن کشور شما را از بین می برد و آنطور به اسلام سبلی بزند که تا ابد نتواند سرش را بلند کند

امام خمینی در ادامه سخنان خود افزودند :

" شما خیال می کنید نیست همچو افرادی ؟ ا یک همچو افرادی هستند (که معنقدند) معنا ندارد حکومت باشد یک حکومت عدل اصلا نباید باشد ا باید جلویش را گرفت ا"

تجربه سه ساله انقلاب گواه است که در کین بخش از سخنان امام خمینی دارای اهمیت حیاتی برای انقلاب و سرنوشت آن است . امام خمینی طی این سخنان بار دیگر آماج های انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی میهنان را ملاک شناخت دوست و دشمن قرار می دهد و بر محتوای استقلال طلبانه ، مردمی و عدالت جویانه جمهوری اسلامی ایران تاکید می کند .

متأسفانه پس از گذشت سه سال و از سرگذاردن تجارب تلخ فراوانی در این زمینه که با فاجعه فریبنده های کشمیری ها ، کلاه ها ، نظیر زاده ها و بنی صدرها همراه بوده است هنوز در جمهوری اسلامی ایران سرمایه اندکی از "مقدس مآبی" برای نفوذ در نهادهای دولتی و مردمی جمهوری و صعود به مقامات بالای حکومتی ، بالاترین سرمایه ها است . و این در شرایطی است که بر سر راه فعالیت انقلابی پیگیرترین و استوارترین مدافعان انقلاب و خط ضدامپریالیستی و مردمی اسلام خمینی که با فداکاری های عظیم در راه تحقق آماج های اساسی انقلاب و شکوایی جمهوری اسلامی ایران می رزمند ، هر روز موانع ، تضییقات و محدودیت های بیشتری فراهم می آورند و به جرم دگراندیش بودن ، آنها را در ادارات و کارخانه ها در مراکز آموزشی و فرهنگی و حتی در سنگرهای نبرد علیه تجاوزکاران تصفیه می کنند و تحت پیگرد قرار می دهند .

در پیام های نوروزی رهبران و مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی ، پیام نوروزی آیت الله منتظری که در حقیقت پیام اتحاد همه مدافعان انقلاب برای سازندگی انقلابی کشور است جای ویژه ای دارد . آیت الله منتظری در پیام نوروزی خود با اشاره به روندهای انقلاب شکنانهای از این دست ، تاکید کرد ، " به همه برادران و خواهران ، به ملت مسلمان و فداکار ایران متذکر می شوم که ماهیت انقلاب را درک کنند و بر طبق لوازم انقلاب عمل کنند ... انقلاب یعنی تحول اساسی ... چنانچه شما ملت ایران هسکی قیام کردید و حکومت شاهنشاهی طاغوتی ۲۵۰۰ ساله را سرنگون نمودید اما بعد از انقلاب ساختن لازم است و انهم ساختن اساسی و ساختن اساسی هم به زمان و وقت نیاز دارد و هم به نیروهای زیاد " و افزود " بایستی هرکس هر کاری از آن برمی آید که به نفع کشور است برای رضای خدا انجام دهد ... شما ملت هسهانگ شوید و نیروها را بکار بگیرید . اختلافات درون گروهی را دیو بریزید افرادی که تخصص دارند در رشته های مختلف بکار بگیرید . اولو فرض کنید که سابقا آن شخصی که شما می خواهید انقلابی نبوده ولی کسی است که حالا کارشکنی نمی کند و در انقلاب حاضر است با شما هسهانگی بکند . او را بکار بگیرید ، نیروها را

کنار نزنید ، نیروها را تضعیف نکنید ، به اصطلاح امروزی ها ما نباید انحصارطلب باشیم و اینطور نباشد که فقط من و هرکس با من ارتباط دارد او سر کار باشد و باقی دیگر کنار بروند ، این (ساختن اساسی کشور) وظیفه همه ماست

آیت الله منتظری در بخش های دیگری از پیام خود ، همه نیروهای مدافع انقلاب را به اتحاد و سازندگی دعوت کرد و گفت : بیائید همه با هم دست اتحاد و برادری بدهیم . برگزیده ها صلوات دشمنی ها و کینه نوزی ها را بریزیم دور و همه اقشار با هم متحد بشویم و به نفع کشورمان کار کنیم

و در پایان بار دیگر با تاکید افزودند :
" و بالاخره به همه ملت ایران ، به همه برادران و خواهران خود تذکر می دهم و تقاضا می کنم بیائید دست اتحاد و برادری به هم بدهیم ، گذشته ها را فراموش کنیم اگر هم تا حال علیه انقلاب قدم برداشته ایم بیائید به نفع انقلاب ، به نفع اسلام ، به نفع کشورمان قدم برداریم " پای بندی بر این حقیقت بزرگ که شرط سازندگی انقلابی کشور ، اجتناب از هرگونه تنگ نگر ، انحصارطلبی و تفرقه جویی است . در شرایطی که جبهه متحد ضدانقلاب سرکردگی امپریالیسم امریکا هر روز توطئه جنایتکارانه تازه ای برای درهم شکستن انقلاب ما سازمان می دهد اساسی ترین شرط پایداری انقلاب بزرگ میهنان در برابر توطئه های دشمنان است .

اتحاد بزرگ همه نیروهای مدافع انقلاب ، قطع نظر از تفاوت در مذهب و معتقداتشان ، اساسی ترین تضمین برای برگشت ناپذیر ساختن پیروزی ها و دستاوردهای بزرگی است که انقلاب به بهای فداکاری های عظیم مردم و خونهای شریف آنان بدست آورده است . شرط مقدم پاسداری از این پیروزی ها و دستاوردها ، مبارزه پیگیر و بی امان با تنگ نگرها ، انحصارطلبی ها و تفرقه جویی هاست .

تفرقه سلاح دشمن است و انقلاب ، پایداری در مبارزه برای درهم شکستن توطئه نفاق را از دوستان خود می طلبد . تلاش در راه وحدت گردانهای انقلابی ، مبارزه صادقانه و بی تزلزل برای تأمین اتحاد بزرگ خلق شاخص انقلابی بودن بهویژه در مرحله کنونی پیشرفت انقلاب ماست .

متأسفانه نیروهای تفرقه و نفاق تاکنون در پراکنده داشتن نیروهای مدافع انقلاب موفق بوده اند . در این توفیق انقلاب شکنانه دشمن از تنگ نگرها ، گروه گرایی ها ، انحصارطلبی ها ، تفرقه جویی ها و بهویژه از ملاک ها و برداشتهای متناقض و نادرست مقامات بلندپایه جمهوری در شناخت دوست و دشمن بیشترین بهره را برده و می برد . پیام وحدت طلبانه و اتحاد جویانه آیت الله منتظری در نوروز امسال ، گوشه ای از آموزش های بزرگ انقلاب را ، که هر روز در پویش و تعمیق خود به همه ارزانی می دارد ، بازگو میکند . ما با استقبال از آن بار دیگر همه نیروهای مدافع انقلاب را به فشردهگی و اتحاد در جبهه متحد خلق فرا می خوانیم . دشمن نه تنها در گستره داخلی ، بلکه در عرصه جهانی خود را سرکردگی امریکای جنایتکار فشرده می سازد ، انقلاب نیز باید مدافعان و دوستان خود را در گستره ملی و جهانی بازشناسد و در راه اتحاد با آنان کام بردارد . این از ماهیت جهانی انقلاب و ضدانقلاب در دوران ما نشست می گرد

سازمان ما ، در سال نو نیز ، به منابه یکی از گردان های بیسهانگ طبقه کارگر ایران در راه تحقق اتحاد بزرگ خلق با فداکاری و ایثار می ریزد و بر راه محکم پیرونتهان جمهوری اسلامی ایران با جبهه جهانی ضدامپریالیستی فداکار و مومن به مبارزه خود ادامه خواهد داد تا انقلاب آماج های اساسی خود را با گام های استوارتر تحقق بخشد و پیروزی نهایی و برگشت ناپذیر فراچنگ آید .

(۱)

مردم انقلابی ایران چهارمین بهار آزادی چهارمین سالروز تاسیس جمهوری اسلامی ایران را در شرایطی کاملاً متفاوت با سال گذشته با شکوه عظیم برگزار کردند. آنچه که مردم در سال گذشته تحقق بخشیدند براساس نظام و غرور انگیز بود. سال گذشته جمیع متحدان انقلاب بجز کردگی امریالیسم آمریکا عنصر خائنی چون بنی صدر را بر مسند ریاست جمهوری داشت و امیدوار بود که با اتکا به آن سرانجام بساط ضد مردمی گذشته را به هر قیمت بر مین انقلابی ما تحویل کند.

جبهه متحد ضدانقلاب با در اختیار داشتن ریاست جمهوری و بسیاری امکانات دیگر خود را در چند قدمی کسب کامل قدرت سیاسی می پنداشت. از هنگام پیروزی انقلاب تا آن زمان هیچگاه انقلاب با خطری تا این حد جدی مواجه نبود. نعدولت موقت، نعدولت موقتانه با خطر نظامی آمریکا و نه جنگ تحمیلی صدام علیرغم اینکه هر کدام توطئه های بسیار خطرناک بودند، هیچکدام ابعاد گسترده و دامنه دار چون توطئه ای که بر اساس آن می بایست دولتی ممانعرو و مطلوب امریالیسم آمریکا را به سرمداری بنی صدر خائن بروی کار آورد، نداشتند. در سومین سال پیروزی انقلاب مردم با حضور توفنده خود در تمام عرصه های بیکار علیه توطئه های رنگارنگ امریالیسم، در توطئه خطرناک علیه انقلاب را درهم شکستند و یکبار دیگر قدرت لایزال آنها انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران را در حساس ترین مقاطع حیات خود نجات بخشید. این پیروزی بزرگ چهره کریه و ضد مردمی لیبرالیسم را بیش از پیش برای مردم افشا کرد. گرایش ضد امپریالیستی و مردمی را در حاکمیت تحکیم نمود و باعث تسخیر اوضاع در جبهه های جنگ تحمیلی به سود تقویت روزافزون مواضع رزمندگان ما گردید تا آنجا که به جرات می توان گفت پیروزی های درخشان اخیر ایران بر ارتش صدام در وهله اول پیامد پیروزی خط ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب بر جریبان خیانته بنی صدر است. در این مختصر قصد این نیست که رویدادهای انقلاب را در این سه سالی که گذشت مرور کنیم. در این مورد تاکنون پارها صحبت کرده ایم. آنچه در این چهارمین سالگرد رفراندوم جمهوری اسلامی اشاره به آن ضروری است، ارزیابی مجدد کلی ترین دستگرای های است که این جمهوری در راستای دست یابی به اهداف انقلاب و آمادگی های مندرج در قانون اساسی، ناگزیر از اتخاذ آنهاست. انقلاب ایران که در نتیجه یکی از مهم ترین قیام های تودمائی ماصر در یکی از حساس ترین مناطق جهان به پیروزی رسید، به عنوان حلقه ای مهم از جنبش رهاشکلی ملی دوران ما، در مبارزه خلقهای جهان به خاطر کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نقش ارزنده ای برعهده دارد. این انقلاب حلقه مهمی از زنجیر سلطه امریالیسم را از هم گسست و در نتیجه آن کشوری که تا دیروز یکی از منابع سرشار فارت امریالیسم و رژیم حاکم بر آن زاندارم وی در منطقه بود، در صف نیروهای ضد امپریالیست قرار گرفت.

تجربه سالهای بعد از پیروزی انقلاب نشان داده است که انقلاب ایران جهت دست یافتن به آمادگی های اساسی خود، که آمادگی عمومی تمام جنبش های رهاشکلی در جهان است، با دشواری های فراوان روبرو بوده است. اما هیچکدام از دشواری ها از اهمیت و نقش ارزنده آن در مبارزه خلقهای منطقه و جهان علیه امریالیسم نمی گاهد.

براساس سال آینده و سال های آینده جمهوری اسلامی ایران در کدام سو پیش خواهد رفت؟ تنوع گسترده و گوناگونی مفرط روندهای ملی - دیکراتیک (ضد امپریالیستی و مردمی) در کشورهای در حال رشد، به ویژه در شرایطی که حاکمیت مجموعه وسیعی از نیروهای مختلف طبقاتی با گرایش های مختلف را دربر گیرد، مانع از آن است که پیش بینی اشکال معین رشد این جوامع با پیچیدگی ها و بیقرنی های بسیار همراه نگردد و چیساً اینگونه پیش بینی ها اساساً غیرممکن باشد.

سال گذشته، زمانی که جمهوری اسلامی سومین سال زندگی خود را پشت سر می نهاد هنوز دو سیاست متمایز با حدت تمام درگیر مبارزه بود سیاست لیبرالی طرفدار سرمایه داری و وابستگی به امریالیسم و گرایش ضد امپریالیستی طرفدار منافع اکثریت قاطع محروم جامعه. فرجام این نبرد شکست و انفراد چشمگیر خط لیبرالی بود، آنچه که بطور قطع می توان درباره سال آینده گفت آن است که موضوع گزینش راه اجتماعی - اقتصادی ایران، پاسخ به این مساله که سیاست حاکمیت باید در جهت رشد سرمایه داری باشد یا در جهت مهار این رشد موضوع اصلی مبارزه های است که میان نیروهای ترقیخواه و محافظه کار در جمهوری اسلامی ایران با حدت تمام تعقیب خواهد شد. گذشته از تنوع و گوناگونی مفرط اشکال گسترش انقلابات رهاشکلی عصر ما این مساله فراروی یکبک آنها قرار می گیرد که اقتصاد و منابع کشور آیا باید در خدمت بهره مندی سرمایه داران (بخش خصوصی) قرار گیرد یا مهار اقتصاد کشور اساساً باید در بد اختیار دولت ملی و مردمی باشد و رشد غیر سرمایه داری در کشور، رشد سرمایه داری (بخش خصوصی) را تحت الشعاع قرار دهد؟ آنچه اکنون مسلم است این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۴ با صراحت کافی اقتصاد کشور را اساساً بر پایه اقتصاد دولتی و تعاونی بنا می کند و بخش خصوصی را تنها به صورت "مکمل" این دو بخش معرفی می کند. علاوه بر این تا امروز، و در مجموع نهادهای جمهوری اسلامی، رویه رفتن و نروهای مخالفان افزارگسیختگی سرمایه داران در جمهوری اسلامی ایران از موقعیت برتری برخوردار بوده است. هرچند که نیروی دفاع از سرمایه داری نیز به هیچوجه یانچیز نیست. به همین دلیل بطور قطع باید گفت گزینش راه برای

اقتصاد ایران عمده ترین موضوع حاد و پراهمتی است که در چهارمین سال انقلاب با حدت تمام در کشمکش ترقی و ارتجاع خواهد بود. اکنون نیز مساله اساسی جمهوری اسلامی این است که بگوشد به رشد سرمایه داری لجام زند و به راه رشد غیر سرمایه داری گام نهد و یا باید ایران را به کام سرمایه داری و سرمایه داران رها کند؟ امروز هنوز این مبارزه پایان نپذیرفته است. اقلیت نیرومندی در مجلس شورای اسلامی و همفکران و یاران آنان در دیگر نهادهای حکومتی مشخصاً با سرگرفتن ایران از سرمایه داران مخالف است. و متأسفانه نفوذ این اقلیت در حدی است که در غالب موارد گزینش و کم لوائیخ را می برد و با اساساً به کمک سایر نهادها پیشرفت کار را متوقف می کند و جلوی کار را می گیرد. هنوز در کشور ما مراکز وجود دارد که فقط به نفع پولدارها کار می کنند. هنوز مراکز وجود دارد که هم سرخستانه، حتی در این وضع اضطراری با توزیع عادلانه کالا مخالفت می کند و هم سرخستانه در راه تفویض حق معامله روی نیازهای اساسی زندگی مردم به "تخار محترم" پاشناری می کند و نظر خود را هم در این زمینه پیش می برد (نمونه طرح توزیع آهن)

بهرحال به نظر می رسد در مین ما امروز مبارزه حادی در جریان است تا جمهوری اسلامی ایران در زمره "کشورهای که درصدد گزینش راه رشد غیر سرمایه داری هستند" (۱) قرار گیرد.

در گزارش لژتویند برژنف در هیئت و شمشین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، درباره وجود مشترک در این کشورها تحلیل جامعی بعمل آمده است، که عبارتند از:

"براندازی تدریجی مواضع انحصارات امپریالیستی، کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ، محدود کردن میدان عمل سرمایه های خارجی، تمرکز مواضع کلیدی اقتصادی در دست دولت آغاز رشد و گسترش نیروهای مولد طبق برنامه و تشویق تعاونی کردن کشاورزی و رونماها، بالا بردن نقش توده های زحمتکش در زندگی اجتماعی، استحکام بدیجی دستگاه دولتی با کادرهای ملی و وفادار به خلق و خصمت ضد امپریالیستی در سیاست خارجی (۲)

گرچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره تمام این وجوه موضع مثبت اتخاذ شده است. با این حال این هنوز بدان معنا نیست که گزینش این راه در این جمهوری تثبیت شده است. درست بهمانگونه که وضعت کنونی به هیچوجه به معنای تثبیت راه رشد سرمایه داری هم نیست.

یکی از مهم ترین و حاد ترین ویژگی های جمهوری اسلامی ایران در مختصات کنونی و با بهت بگویم از ابتدا تا امروز آن است که در این جمهوری موضع گیری مسلط ضد امپریالیستی همواره با یک گسریش ضد سوسیالیستی و بطور اخص ضد شوروی و ضد کمونیستی همراه بوده است. در هیچکدام از کشورهایی که به لحاظ موضع ضد امپریالیستی در طراز ایران ما قرار می گیرند سوسیالیسم سوسیالیسم شوروی سوسیالیسم و کمونیسم سوسیالیسم تا این حد نیرومند نیست. لیبی، الجزایر، و سوریه که در برابر سوسیالیسم و امریالیسم موضعی هم طراز ایران اتخاذ می کنند سیاست بکلی متفاوتی از سیاست کنونی جمهوری اسلامی ایران در برخورد با اتحاد شوروی و سایر ملل سوسیالیست در پیش گرفته اند. ایران در مسئله افغانستان رسماً در موضع پاکستان است برخورد ایران به انقلاب افغانستان مورد اعتراض هیچکدام از قدرت های ارنجایی منطقه و جهان نیست. نیروهای وسیعی در جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا تا امروز حداکثر کوشش خود را بکار برده اند که شوروی را مطرح کنند که مرگ بر آمریکا را بدها برود. نیروی طرفدار فرار دادن شوروی در کنار آمریکا

و سپس صرف نظر کردن جهت عمده مبارزه علیه سوسیالیسم و کمونیسم در جمهوری اسلامی ایران به هیچوجه ناچیز نیست. با این همه واقعات معنی بطور کاملاً بارز و آشکار مکرراً بطور قانونمند در خلاف میل این نیرو عمل کرده است. جمهوری اسلامی ایران فقط از سوی امریالیسم و کشورهای ارنجایی منطقه تهدید شده است. دشمنی آمریکا و عمال وی با انقلاب ایران و با استقلال ایران آشتی ناپذیر بوده و هست و خواهد بود. توطئه های مکرر آمریکا و عنالشی که دشمنانه ترین شیوه را برای سرنگونی این انقلاب بکار گرفتند، و می گیرند و خواهند گرفت شاهد این سخن است. حال آنکه انقلاب ایران و استقلال ایران از همان ابتدا در تنها از جانب سوسیالیسم و کمونیسم اصیل هرگز تهدید نشده است، بلکه منبع اصلی باری به انقلاب ایران و حفظ استقلال ایران در مطع جهان همانا کشورهای بوده اند که از همان ابتدای پیروزی انقلاب نیروی ضد شوروی و ضد کمونیست سعی داشته و دارد و خواهد داشت که جهت اصلی مبارزه مردم را به سوی مبارزه با آنها بکشاند.

گرچه پیشرفت های کاملاً مثبتی در جهت تثبیت خصمت ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی در طول سه ساله حیات جمهوری اسلامی ایران بدست آمده است، با این همه این به هیچوجه به معنای برتع شدن مهم ترین خطراتی نیست که این جمهوری را در جهت منفرد کردن خط مشی ضد امپریالیستی آن و سوق دادن آن به سوی رویارویی کامل با سوسیالیسم و نیروهای ترقیخواه جهان تهدید می کند تغییر در اوضاع منطقه می تواند منشاء رشد و حدت بسیار جدی این خطرات گردد. ملاحظه چگونگی تحولات در نظام سیاسی عراق می تواند منشاء رشد قابل ملاحظه این خطرات گردد.

انقلاب ایران را از همان ابتدا خط قاطع و سازش ناپذیر ضد امپریالیستی و مردمی اصمین خیمینی رهبری می کرد. عمده ترین نیروهای مخالف رژیم شاه حول همین خط مشتکل بودند. اما در عراق نه چنین رهبری و چنین نیرویی وجود دارد. مستگیری شرایط کنونی عراق به سود امکان رهبری نیروی اسلام انقلابی نیست. آینده اوضاع عراق در هر صورت از دو حال خارج نیست یا رژیم با مشخصات و مختصات کنونی آن - حتی از طریق اتحاد آن با عنوانی اسلامی و نزدیک کردن آن به

تربیتی مثل پاکستان و وابستگی بازم بیشتر به امپریالیسم فئال بازم تا مدتی همچنان - با صدام یا بی‌صدام - سرکار می‌ماند و با گرایش ترقیخواهانه ضدامپریالیستی و مردمی با سنت‌گیری به سوی پیوند با تمام نیروهای ترقیخواه جهان که مجموعه نیروهای ترقیخواه عراق را تأیید می‌کند روی کار می‌آید و عراق نیز در زمره متحدین سوریه و یمن دمکراتیک و الجزایر و لیبی قرار خواهد گرفت و از لحاظ ترکیب نیروهای حاکم و اتخاذ سیاست خارجی به همان سمت گرایش پیدا خواهد کرد.

هنوز به هیچوجه معلوم نیست که در برابر عدم استقرار حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه در عراق جمهوری اسلامی ایران نسبت به عراق از کدامین سیاست پیروی خواهد کرد؟ آیا ایران در آخرین تحلیل در برابر نیروهای دست راستی که می‌خواهند عراق را به سوی راه کشورهای ارتجاعی غربی مثل ترکیه و پاکستان سوق دهند، از حاکمیت ائتلاف نیروهای ترقیخواه عراق که می‌کشند کشورشان را به نظیر سوریه و الجزایر و لیبی را در پیش گیرد، حمایت خواهد کرد؟ اگر در عراق واقعا و در عمل چنین حاکمیتی مستقر شود سیاست قطعی و عملی ایران در برابر این حاکمیت چه خواهد بود؟ تا امروز متأسفانه سیاست جمهوری، گرایش فعالی به سوی تأیید و حمایت از ائتلاف همه نیروهای ضدامپریالیستی عراق از خود نشان نداده است و حال آنکه سوریه و دیگر کشورهای ترقیخواه عرب نسبت به این مسأله سیاست روشنی مبتنی بر حمایت از این ائتلاف را دنبال می‌کنند. در هر حال دگرگونی اوضاع کشورهای منطقه در مسیر دیگری جز آنچه که بخش عمده‌ای از نیروهای اسلامی ایران دلخواه خود می‌دانند و تکامل مبارزه رهاشخص در این کشورها به گونه‌ای که آنان را در نوک بیگان‌جنش ضدامپریالیستی خلقهای ستمدیده جهان قرار دهد، وضعیت عینی نوینی پدید می‌آورد که می‌تواند نیروی ضدسوسیالیستی را در این جمهوری به رو در روئی آشکار با این کشورها بکشد و مسلماً رشد این گرایش روی سیاست امپریالیسم نسبت به ایران تأثیرات جدی برجای می‌گذارد و بدین ترتیب خطر این گرایش امری است که امروزه بطور بالقوه آینده سنت‌گیری قطعی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. چرخش سیاست سوماتالی به دنبال پیروزی یک تحول

ترقیخواهانه در انبوهی واقعی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. از سوی دیگر در ارزیابی‌های آینده جمهوری اسلامی ایران باید برای نقش و تأثیر حضور و نقش رهبری امام خمینی در حفظ واقعی سمت قاطع ضدامپریالیستی جمهوری اسلامی ایران اهمیت فوق‌العاده قابل شد. تا زمانی که شرایط به همین گونه است امید نیروهای ترقی‌خواه و ضد امپریالیست برای تداوم خط ضدامپریالیستی و عدم انحراف آن به سوی ضدیت با سوسیالیسم امید نیرومند و چشمگیر است. هرگاه توجه داشته باشیم که چگونه غیاب احزاب نیرومند شکل گرفته و پرتاب شده رهبری مبارزه ضدامپریالیستی و مردمی را در دست داشته باشند را نقش رهبری کننده امام حیران می‌کند، آنگاه بیشتر در خواهیم یافت که خلا رهبری در انقلاب ایران چگونه سنگبری آینده آن را با مخاطرات حدی روبرو می‌سازد. نمونه مصر یک نمونه واقعی است.

با این همه ساده‌انگاری محض است که در ارزیابی آینده جمهوری اسلامی ایران در چهارمین سال حیات آن تنها پارامترها و احتمالات باد تنده در نظر گرفته شود. روندهای عینی و واقعی همواره پیچیده‌تر و بغرنج‌تر از شوقی است که ما در نظر می‌گیریم. آنچه این بغرنجی‌ها و پیچیدگی‌ها بویژه از نیروهای سازمان ما می‌طلبند آنست که هرچه موشکافانه‌تر و دقیق‌تر و هرچه هشیارانه‌تر تمامی شقوق عینی و واقعی و یکایک امکان‌های موجود را در نظر آوریم و از ساده کردن و یک خطی دیدن روندها مطلقاً بپرهیزیم.

و هرگاه بر اساس مهمترین مختمات انقلاب ایران و روندهایی که از سه سال گذشته در این جمهوری گسترش یافته است و به باری تجارب سایر خلقهایی که همچون ما راه رهایی واقعی ملی را می‌پیمایند و ظایف نیروهای راستین مدافع انقلاب را در چهارمین سال حیات جمهوری اسلامی ایران در کلی‌ترین ابعاد آن جمع‌بندی کنیم قطعا هم چنان روی پیشبرد مبارزه‌ای پیگیرانه در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خصلت ضدامپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی ایران در راستای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، بازم بیشتر تکیه خواهیم کرد. پیشرفت این مبارزه چنانکه دیدیم متضمن تضعیف و انفراد و شکست نیروهایست که می‌کشند با استفاده از فرصت‌های مفتاح به ویژه از طریق تعریف مواضع اسلام انقلابی خط امام، خصلت انقلاب ایران را تضعیف دهند و آن را به ضدیت با سوسیالیسم و کشورهای ترقی‌خواه منطقه و جهان بکشانند. اینست معنای واقعی مبارزه در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خصلت ضدامپریالیستی انقلاب ایران. تثبیت و تحکیم و گسترش خصلت مردمی انقلاب ایران نیز چنانکه دیدیم متضمن تقویت مواضع نیروهای مخالف سرمایه‌داری و تضعیف و انفراد و شکست نیروهایی است که می‌خواهند (باز هم از همان طریق تعریف اسلام انقلابی خط امام) مواضع کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی را دست نخورده بگذارند و راه سرمایه‌داری را - که راه وابستگی و راه ذلت توده‌های میلیونی مردم ماست - به جامعه ما تحمیل کنند.

لاکن پیشرفت این دو مبارزه متضمن اتحاد بزرگ همه نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی و بسیج و شکل وسیع‌ترین توده‌های میلیونی مردم و افزایش مستمر مشارکت آنان در حیات اجتماعی است. این امر به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر رعایت جدی حقوق و آزادی‌های مردمی را طلب می‌کند. همه تجارب جنبش‌های رهایی‌بخش نشان داده است که بدون بسیج میلیونی مردم که لازمه آن رعایت اکید و موثر حق تشکل کارگران، دهقانان، زنان، جوانان و سایر اقشار مردم است، خصلت ضدامپریالیستی و مردمی نظام سیاسی تثبیت نخواهد شد و مورد دستبرد عوامل نفوذی ضدانقلاب و سازشکاران و تسلیم طلبان قرار

خواهد گرفت . هم از این نظر است که جادارد در این آغاز چهارمین
سال حیات جمهوری اسلامی ایران خطاب به همه مدافعان راستین
انقلاب یک بار نه صدارت تأکید کنیم که شکوفایی این حیات و پاسداری
صادقانه از خون دهنها و مدها هزار شهید انقلاب ، مبارزهای جدیتر
و پیگیرانهتر همه ما را در راستای استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی
طلب بوی کند .

نوروز سال ۶۱ رارفتا، هواداران و دوستان سازمان و همه مردم انقلابی ایران در مضایب آکنده از شادی پیروزی‌های بزرگ "عملیات فتح" سه پایان آوردند. پیروزی‌های عملیات فتح، در سال نو که امید است سال پیروزی‌های عظیم‌تر بر امپریالیسم و سال شادکامی محرومان گردد، طلسم فرخنده و مبارک پیروزی‌های روزافزونی است که توده‌های میلیونی مردم میهنمان در مبارزه متحدشان علیه جبهه متحد ضدانقلاب سه سرکردگی امریکای جنایتکار در راه تامین همه جانبه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به چنگ می‌آورند.

امپریالیسم یکبار دیگر اراده شکست‌ناپذیر مردمی را که بپا خاسته‌اند تا آزاد و مستقل زندگی کنند تجربه کرد، یکبار دیگر اثبات شد که توده مردم و نیروهای مسلح متکی به خلق آن نیروی توفنده و پیروزی‌آفرینی است که قادر است پوزه هر متجاوزی را به خاک بمالد. پیروزی‌های عملیات فتح قبل از هر چیز، پیروزی مردم بر نابکارترین دشمن خلقهای جهان، پیروزی بر امپریالیسم امریکاست.

"عملیات فتح" که نمایانگر سیمای مردمی و انقلابی نبرد ما در دفاع عادلانه از میهن انقلابی و دفع تجاوز است چهره نامردمی، ضدانقلابی و تجاوزکارانه رژیم صدام را روشنتر از همیشه به نمایش درآورد. تسلیم غالباً "دو اطلبانه سربازان ارتش صدام، حاکی از بیگانگی سربازان عراقی از رژیم حاکم بر عراق و از جنگ تجاوزکارانه‌ای است که رژیم صدام به تشویق امپریالیسم امریکا بر مردم ما تحمیل کرده است. این بیگانگی دلیل اصلی فقدان انگیزه مقاومت در ارتشیان صدام در برابر رزمندگان بااست که در پاسداری از دستاوردهای انقلاب و در دفاع عادلانه از میهن انقلابی، پرشور و ایثارگرا می‌رزمند و برای بیرون راندن متجاوزین از مرزهای میهن انقلابی حماسه‌ها می‌آفرینند. روحیه درهم شکسته ارتشیان صدام منعکس کننده دوری روزافزون و تشدید تضاد میان مردم عراق و رژیم صدام است. روحیه سربازان عراقی و فروپاشی چند لشکر از ارتش صدام در "عملیات فتح" در عین حال منعکس کننده سرنوشت محتوم همه ارتش‌هایی است که به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، علیه خلقهای خود و دیگر خلقهای جهان قسداره می‌کشند.

هدفهای امپریالیسم امریکا در برانگیختن رژیم صدام به جنگ علیه ایران انقلابی، اکنون دیگر آشکارا به نقیض خود مبدل شده است. جنگ تحمیلی رژیم صدام که می‌خواست جمهوری اسلامی ایران را براندازد و دولتی دست‌نشانده امپریالیسم را روی کار آورد، هرچه بیشتر موقعیت رژیم صدام را لرزان و لرزانتر ساخته است. اکنون با اطمینان می‌توان گفت که شکستهای اخیر رژیم صدام در جنگ تحمیلی، موقعیت صدام را بیش از پیش تضعیف ساخته است و هرچه روند جنگ به سود ایران انقلابی تغییر می‌کند، به ناگزیر موقعیت دارودسته صدام خصلت آسیب‌پذیرتری می‌یابد. البته این درست نیست که شکست تجاوز صدام را معادل و مترادف سقوط رژیم وی به حساب آوریم. ساله

رفتن صدام و به طور کلی مسانه حاکمیت در عراق تنها به دمع بجاور وی به صیبن ما مربوط نمی شود. برای پاسخگویی به این مساله باید عوامل مهم و حیات عمده داخلی و خارجی علاوه بر عامل شکست تجاوز وی در نظر گرفته شود. رژیم صدام در چند سال اخیر با گامهای سریع از آماجهای انقلاب و مردم عراق فاصله گرفته و راه خیانت به آرمان مردم عراق را پیموده است. با این همه در لحظه حاضر ابعاد توده های مبارزه مردم عراق علیه رژیم صدام هنوز شکوفایی و اعتلای کافی را نیافته است. در وضعیت حاضر هنوز نمی توان درباره هیچ یک از سازمان ها و نیروهای سیاسی مخالف رژیم صدام نیز، از جناح چپ حزب بعث، تا ناصریست ها و تا حزب الدعوة و پیکار اسلامی و بالاخره نیروهای سیاسی کردستان عراق و حزب کمونیست عراق که به ویژه در میسان دهقانان جنوب نفوذ و اعتبار است به مثابه یک آلترناتیو قدرت، در برابر رژیم صدام اظهار نظر قطعی کرد. متأسفانه علیرغم کوشش های مسئولان حزب کمونیست عراق هنوز به هم فشردگی همه نیروهای ملی و دموکراتیک در حدی نیست که اتحاد همه آنها در یک جبهه متحد ملی و میهنی بتواند به مساله جایگزینی رژیم کنونی پاسخی قطعی و مسلم بدهد. با این همه افق سیاسی عراق روزبه روز روشنتر می شود. واقعیات موجود نشانه های متقنی است از رشد دائمی التزاید جنبش توده های و تشدید مبارزه مردم عراق علیه رژیم حاکم بر این کشور. مطمئناً چنین رشدی است که در دل خود مساله رفتن صدام و ماهیت رژیم آینده عراق را حل می کند. شکست تجاوز صدام فی نفسه پاسخگوی این مساله نیست.

راست اینست که تحمیل جنگی تا به بدین پایه تجاوزکارانسه به جمهوری اسلامی ایران از سوی رژیم صدام که آشکارا منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای حنایتکار را تعقیب می کند، رژیم صدام را هرچه بیشتر از مردم عراق و نیروهای ترقیخواه عرب دور و دورتر ساخته است و به روند سازش رژیم صدام با امپریالیسم و ارتجاع منطقه شتاب داده است. شکست تجاوز رژیم صدام مسلماً در جهت گسترش ابعاد توده های مبارزات مردم عراق ناشر بر کند و موقعیت نیروهای آزادخواه، صدامیریالیست و انقلابی که علیه رژیم صدام مبارزه می کنند را تحکیم می بخشد. بدین ترتیب اکنون آنچه که با قطعیت می توان گفت اینست که شکست های اخیر نیز طبعاً "روندهای فوق الذکر را شتاب بیشتری داده و برای مردم عراق و نیروهای سیاسی مخالف رژیم صدام امکانات مساعدتری فراهم آورده است.

آنچه را که ما نباید از خاطر بهریم آنست که شکست صدام در جنگ تحمیلی قبل از هرچیز شکست امریکاست و امریکا با تمام نیرو خواهان تضعیف و مسخ جمهوری اسلامی ایران و شکست انقلاب ما و جنبش دموکراتیک و استقلال طلبانه مردم عراق است.

پهروزی های ایران در غنشی ساختن توطئه های امریکا از جمله در جنگ تحمیلی، تشبیه هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران را در بردارد. این پهروزی ها تناسب قوا را به سود نیروهای مسلح ما تغییر داده و در تغییر بازهم بیشتر تناسب قوا به سود نیروهای ضد امپریالیستی در منطقه مسلماً موثر است. این پهروزی ها، چنانچه جمهوری اسلامی مواضع عادلانه و ترقیخواهانه خود را حفظ کرده و بر تعیین سرنوشت مردم عراق توسط خود آنان و نیروهای سیاسی نماینده آنان همچون امروز تأکید ورزد آماج های ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و مردمی انقلاب ایران را اشاعه می دهد و به بیان دیگر، منشا توانمندی جنبش های استقلال طلبانه خلق های منطقه است.

در برابر این واقعیت که گلوی امپریالیسم جهانی و به ویژه امریکای جنایتکار را در حیاتی ترین منطقه استراتژیک تحت نفوذش می فشارد، واکنش امریکا و ارتجاع منطقه تنها یک چیز می تواند باشد:

تلاش گسترده تر برای مسخ و نابودی انقلاب ایران - امپریالیسم امریکا به تلاش های خود برای برانگیختن رژیم های ارتجاعی منطقه در جهت حمایت فزاینده تر از رژیم صدام خواهد افزود هرچند هم چنانکه آقای رفسنجانی تأکید کرده است از پیش روشن است که این کمک ها قادر نخواهد بود که موقعیت رژیم صدام را در جنگ تحمیلی تحکیم بخشد و روندهای کنونی را به سود رژیم صدام حتی در داخل عراق تغییر دهد.

برای امپریالیسم امریکا آنچه که دارای اهمیت است ماهیت ضد صدام امپریالیستی و مردمی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم امریکا را دشمن شماره یک مردم ایران و سراسر جهان می شناسد و بر مبارزه با آن و قطع نفوذ و سلطه اش در ایران و منطقه پای می فشارد، کینه توزی و دشمنی امریکا با جمهوری اسلامی ایران کاستی نخواهد گرفت که سهل است، افزایش خواهد یافت. امپریالیسم با هر شکستی هارتسر و لجسام گسیخته تر علیه انقلاب ما و خلق های منطقه به توطئه های تازه تر و تازه تری متوسل خواهد شد. آنچه که قطعی است آنست که امریکا هارتر و وحشی تر از پیش تلاش می کند

توطئه براندازی و مسخ جمهوری اسلامی ایران را به اجرا درآورد. اعلام
اخیر وزارت خارجه آمریکا مبنی بر تلاش برای پایان یافتن جنگ، ذرهای
از این حقیقت بزرگ که آمریکا خواهان نابودی و مسخ جمهوری اسلامی
ایران است نمی‌گاهد. این نظر وزارت خارجه آمریکا تنها بیان صریحتر
شکست هدفهای آمریکا از تشویق رژیم صدام به جنگ با ایران و نشان
تشدید تلاش مذبحخانه آمریکا برای بکارگیری همه امکانات برای از پا
درآوردن و با مسخ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. همچنانکه
چندی پیش از پیروزی‌های عملیات فتح، از سوی پارامای از استراتژی‌های
امپریالیسم آمریکا احتمال شکست صدام در جنگ تحمیلی مورد تأکید
قرار گرفت و برای شکست انقلاب ایران ضرورت به کارگیری نیروهای
و انگش سربع به ریگان توصیه شده بود. تغییر موازنه نیرو در عرصه
جهانی، به سود خلقها هر روز امکانات تازه‌تری و افق‌های نوتری را برای
شکست امپریالیسم به‌ارمان می‌آورد و امکانات امپریالیسم جهانی سرگردگی
آمریکا را برای برافروختن نآثره جنگ، به سود خلقهای سراسر جهان و
کشورهای نواستقلال، محدود و محدودتر می‌سازد. پیروزی‌های روزافزون
انقلاب ایران با توجه به اهمیت حیاتی حفظ منافع آمریکا در منطقه،
خطر ماجراجویی نظامی ریگان را افزایش می‌دهد. در کنار احتمال
ماجراجویی نظامی ریگان نباید از خاطر ببریم که آمریکا همواره آماده
است از تناقضات موجود در جمهوری - مانند آنچه که در نمونه سیاست
ایران نسبت به افغانستان شاهدیم - و تشدید این تناقضات به سود خود
بهره گیرد و جمهوری اسلامی ایران را از درون مسخ و هویت آنرا دگرگون
سازد.

این نکته کاملاً قابل توجه است که سرشت ارتجاع مانع از آنست که
در مناسبات خود، توده مردم، این سازندگان اصلی پیروزی را به حساب
آورد، آمریکا و متحدان آن هرچند هارتر و وحشی‌تر بر مردم و انقلاب ما
خواهند تاخت و به تناسب اوضاع و احوال درصدد اجرای توطئه
تازهای علیه انقلاب ما بخواهندآمد. لیکن آنچه‌که تجربه سه ساله
انقلاب ما نیز آموخته است، اگر همه مردم متحد باشند، نیروی توفنده
و دشمن شکن اتحاد بزرگ خلق قادر است همه توطئه‌های آمریکای
جنايتكار را نقش بر آب سازد، آنرا درهم شکند و پیروزی‌های باز هم
بزرگتری را برای انقلاب به‌ارمان آورد. ما اطمینان داریم "اگر هرچه
فریاد داریم بر سر آمریکا بکشم" نهال این اتحاد که در جبهه‌های بیکار
علیه تجاوزگران با خون مسلمانان پیرو خط امام خمینسی و پیروان
صدیق سوسیالیسم علمی آبهاری می‌شود بارور و بارورتر خواهد شد و سیه
پرحلاوت این گام همه محرومان را شیرین خواهد کرد.
پیروزی‌های عملیات فتح فرجام نهایی جنگ تجاوزگزارانه را روشن‌تر
از همیشه در افق دیدگان مردم جهان پدیدار ساخته است و آن چنانکه
رئیس جمهور خائنه‌ای تأکید کرده است:

"ما سرنوشت جنگ را همانطوری که همیشه اعلام کرده‌ایم می‌دانیم،
شک نداریم در اینکه پایان جنگ به سود نیروی اسلام و با شکست
منجاوز خواهد بود. این معنا را غیر از استدلالهایی که همیشه
داشتم از اضطراب محافل سیاسی پشتیبان صدام در این روزها به
خوبی می‌شود احساس کرد"

فرجام پیروزمندانه جنگ، مقدم‌ترین تأثیر خود را در درون مرزهای
عراق، در جهت تشدید روند روبه‌تلاشی رژیم صدام برجای خواهد
گذاشت. محافل امپریالیستی و ارتجاع منطقه با آشکارترشدن دورنمای
جنگ، به سود جمهوری اسلامی تلاش مذبحخانه‌ای را برای تخریب
اثرات سیاسی پیروزی‌های ما آغاز کردند. این محافل برای پوئاندن
ماهیت تجاوزگزارانه جنگ تحمیلی صدامی - آمریکایی، که پیروزی‌های
عملیات فتح چنین ماهیتی را برای توده‌های وسیعتری از خلقهای عراق
و منطقه آشکارتر ساخته است تلاش دارند دفاع عادلانه مردم ما را علیه
تجاوزگران وارونه جلوه داده و جمهوری اسلامی ایران را با مقاصد
تجاوزگزارانه و توسعه طلبانه به مثابه یک خطر بزرگ برای خلقها و
دولتهای منطقه معرفی کنند. در همین ارتباط بود که مقامات بلندپایه
جمهوری اسلامی از جمله رئیس‌جمهور خائنه‌ای یار دیگر مواضع صلح
جوانانه جمهوری اسلامی را مورد تأکید قرار دادند و رئیس‌جمهور بار
دیگر اعلام داشت:

"جمهوری اسلامی قصد تصرف بخشی از سرزمین کشور همسایه، عراق را
ندارد. این درست است که ما مرز جنرفیایی میان خود و عراق
قابل نیستیم و ملت عراق را برادر خود می‌دانیم. لیکن به هیچ وجه
در صدد نمی‌یاشیم که مرزهای خودمان را با پیروزی‌ها و فتوحات
توسعه دهیم. نظر ما از این نبرد، دفاع در مقابل دشمنی است که به
کشورمان حمله کرده است." (کیهان ۶۱/۱۷)

رئیس‌جمهوری همچنین در پاسخ به تبلیغات محافل امپریالیستی
اظہار داشت:
"ما بارها اعلان کرده‌ایم که با همسایگان خودمان طالب یک زندگی
صلح‌آمیز هستیم بخصوص کشورهای اسلامی و ملت جنگ ما با عراق
در حقیقت دفاع ما در برابر تجاوز عراق هست"

رئیس‌جمهور طی همین گفتار افزود:
"ما این اطمینان را همیشه به کشورهای همسایه داده‌ایم که ما
خواستار یک زندگی صلح‌آمیز هستیم و از کشورهای اسلامی هم امام
دعوت فرمودند، مطابق فرمایش ایشان رجال سیاسی مملکت و
همچنین وزارت خارجه بارها این دعوت را کرده‌اند که کشورهای
اسلامی با یکدیگر متحد بشوند تا بتوانند در مقابل اسرائیل و حامی
آنها آمریکا ایستادگی بکنند." (اطلاعات ۶۱/۱۸)
به نظر ما همه این گوشنها که در جهت جلوگیری از مخدوش شدن
موضع برحق ما در این جنگ تجاوزی است کوششهایی مثبت و کاملاً
ضرور است. جبهانیان باید بدانند که مردم ایران خواهان آن نیستند
که به جای مردم سایر کشورها در مورد سرنوشت و زندگی آنها تصمیم
بگیرند. امپریالیست‌ها تلاش زیادی به کار می‌برند که اذهان مردم
کشورهای عربی و به ویژه کشورهای مجاور ایران را با به اصطلاح "خطر
جمهوری اسلامی ایران" مشوش سازند. موضعگیری‌های صریح جمهوری
اسلامی ایران در جهت خنثی سازی موثر این توطئه، مسلماً نهضت ضد
امپریالیستی و مردمی کشورهای عربی را تقویت می‌کند.

در سرتاسر مبین انقلابی پیروزی رزمندگان ما بر تجاوزگران صدامی -
امریکایی با خالصانه‌ترین احساسات انقلابی و مبینی از سوی مردم با
جشن و پایکوبی استقبال گردید. فدائیان خلق (اکثریت) هم آواز با
توده‌های میلیونی خلق به روح بزرگ همه رزمندگان و نیز رفقای که در
جبهه‌های مقدم با ایثار و دلآوری با تجاوزگران جنگیدند، با خون
پاکشان سنگرهای نبرد علیه متجاوزان را لاله‌گون کردند. تا بخش
دیگری از مبین انقلابی آزاد شد درود فرستادند و رزم حماسه آفرین
آنان را گرامی داشتند. همچنین از سوی کمیته مرکزی سازمان ما نیز
به مناسبت پیروزی‌های عملیات فتح تلگرام تبریکی به حضور امام
خمینسی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی و فرمانده کل قوا
مخابره شد. مثل تلگرام چنین است:

تلگرام تبریک به
حضور محترم رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام
خمینسی به مناسبت پیروزی‌های افتخارآمیز رزمندگان جبهه‌های جنگ
تحمیلی

در دوسم روز چهارمین بهار آزادی پیروزی بزرگ رزمندگان
حماسه‌آفرین جمهوری اسلامی ایران در نبرد علیه تجاوز جنايتكارانه
صدام به مبین انقلابی سراسر کشور را فرق شور و شادی ساخته است
این پیروزی عظیم، آمریکای جنايتكار و عمال سرسپرده‌اش در منطقه را
سخت پریشان ساخته است. این پیروزی بزرگ و انعکاس وسیع آن در
ایران و جهان نشان داد که فرجام کار جنگ‌افروزان و تجاوزگران به
حقوق ملت‌ها چیزی جز شکست و نابودی نیست.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این پیروزی
بزرگ را به حضور شما رهبر سازشناپذیر انقلاب و به همه رزمندگان جان
پر کف جبهه‌های جنگ تحمیلی و به میلیونها مردم محروم و مستضعف
مبین که انارگران و پر امید همه بار سنگین این جنگ را بر دوش
می‌کشند، صمیمانه شادباش می‌گوید و اطمینان دارد جمهوری اسلامی
ایران به پشتیبانی هرچه وسیع‌تر توده مردم انقلابی مبین و حمایت
همه‌جانبه همه نیروهای صلح‌دوست و ترقیخواه جهان، مبین انقلابی
را از لوت وجود تجاوزگران پاک خواهد ساخت و در پرتو اتحاد و
بیکارچگی همه مدافعان راستین انقلاب پیروزی‌های بازهم عظیم‌تری
در راستای تاسمین اهداف انقلاب بدست خواهد آورد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
ه‌شنبه سوم فروردین ۱۳۶۰

(۱)

در آخرین ماه سال شصت، در عرصه سیاست خارجی قدم‌های مثبت و موثری برداشته شد. دیدارهای سوئدنی با نمایندگان لیبی، سوریه، سازمان آزادیبخش فلسطین، جمهوری دموکراتیک خلق صحرا و جمهوری دموکراتیک خلق یمن انجام گرفت. وزارت امور خارجه علیه توطئه‌های جنایتکارانه قشربون و قشری‌نمایان اخوان‌المسلمین در سوریه برای اولین بار و به نحو قاطع و انقلابی موضع گرفت. متعاقب نامه بسیار پراهمیت رئیس‌جمهور به بالاترین مقام رسمی شوروی سوسیالیستی، نامه بسیار پر مضمون دیگری از سوی آقای خامنه‌ای خطاب به گیم ایل‌سونگ نوشته شد که حاکی از شناخت درست‌تر از دوستان و دشمنان انقلاب در نزد مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی است. در عین حال قراردادهای بسیار مهم و پر حجمی با آلمان دموکراتیک و چکسلواکی سوسیالیستی به امضاء رسید که به تشخیص دوست و دشمن قدم‌هایی است به سوی تأمین استقلال اقتصادی میهن انقلابی ما.

در یک کلام. در آخرین ماه سال شصت، بر نهال نورس سیاست خارجی جمهوری ما علیرغم آفت‌هایی که همچنان آنرا تهدید می‌کند، شکوفه‌های امیدبخش دیگری شکفته شد و در آخرین هفته همین ماه، با ورود یک هیئت چهل نفره بلند پایه سیاسی و اقتصادی از کشور برادر سوریه به سرپرستی آقای عبدالحلم خدام به میهنمان، گام بلند دیگری در تحکیم پیوندهای جمهوری اسلامی ایران با جبهه پایداری به پیش برداشته شد.

این سفر که نشانگر آخرین پیشرفت‌ها در روابط انقلابی بین دو کشور ایران و سوریه و در عین حال راهگشای توسعه و تعمین بازم بیشتر و جدیتر روابطی از ایندست با کشورهای جبهه پایداری در آینده است، از اهمیت سیاسی و اقتصادی مهمی برای دو کشور و نیز منطقه برخوردار است. آقای ولایتی در سخنانی که درباره هدف از این دیدار بیان کرد ضمن تأکید بر مواضع ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی سوریه انقلابی گفت:

"طبیعی است که (ما) از موضع سوریه حمایت کرده و آنرا یکی از قدمهای استراتژیکی می‌دانیم و امیدواریم که همه کشورهای مسلمان به این سمت حرکت کرده و به یک مبارزه اساسی علیه خصم مشترک دست یازند"
او اضافه کرد:

"این رفت و آمدها توطئه سلطه‌جویان بخصوص امریکا را خنثی خواهد کرد."

آقای خدام نیز پس از دیدار با رئیس‌جمهور حجت‌الاسلام خامنه‌ای هدف از این سفر و جوهر مباحثات فیما بین - بین نمایندگان دو کشور انقلابی را این چنین بیان کرد:

"در این ملاقات مسائل گوناگون منطقه و موضعگیریهای مشترک ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی دو کشور اسلامی ایران و سوریه و همه مسایل مشترک مورد علاقه دو کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت."

وزیر نفت سوریه نیز در ضمن رابطه اظهار داشت:
"هدف ما از مذاکرات فیما بین عقد قراردادی است تا به موجب آن برای مقابله با امپریالیسم، اقتصاد سوریه و اقتصاد ایران هر دو از آن بهره ببرند."

در پایان این دیدار چهار روزه مهم یک اعلامیه مشترک سیاسی با کلیت انقلابی و جنبه‌های کاملاً ترقیخواهانه و نیز یک پروتکل دهساله اقتصادی در امر مبادله کالا و یک قرار داد نفتی صدور نفت از کشور ما به کشور سوریه - این کشور رزمنده صف مقدم نبرد ضد صهیونیستی - تنظیم شد. گرچه پروتکل دهساله منعقد شده بین طرفین در مورد مبادلات کالا و توسعه روابط اقتصادی سالم فیما بین چه به لحاظ حجم مبادلات و چه به اعتبار اعتماد طرفین نسبت به یکدیگر از اهمیت اقتصادی و سیاسی ویژه‌ای برخوردار است، و باز گرچه اعلامیه مشترک سیاسی امضاء شده یکی از پر مضمون‌ترین و مترقی‌ترین اسنادی است که تاکنون جمهوری اسلامی ایران با دوستان و متحدین انقلابی خود تنظیم کرده است و به همین دلیل هم ما مطالعه جدی و توأم با تأمل این اعلامیه را به همه رفقا توصیه می‌کنیم، معیناً آنچه که به این سفر و مذاکرات مطروح در جریان آن، اهمیت ویژه‌تری می‌بخشد همانا موقعیت ویژه سوریه در مبارزه ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی در منطقه است. استحکام رابطه با سوریه یعنی تحکیم پیوندهای جمهوری اسلامی با جبهه جهانی ضد امپریالیست، که کشورهای عضو جبهه پایداری اعضای با اهمیت آن به برای اینکه به اهمیت این سفر بیشتر پی ببریم باید در کنار این واقع

مهم توجه داشته باشیم که جمهوری اسلامی ایران امروز با صراحت سازمان آزاد بخش فلسطین را تنها نماینده واقعی و رسمی خلق فلسطین می‌شناسد و در جهت تحکیم دوستی رزم‌جویانه با ساف مجدانه راه می‌سازد. جمهوری اسلامی روابط خود را با جمهوری عربی لیبیسی و جمهوری دموکراسیک الجزایر دو عضو دیگر جبهه پایداری در ماه‌های گذشته گسترش باز هم بیشتری داده، و نیز برای برقراری روابط دوستانه با یمن دموکراتیک گام‌های مثبتی به پیش برداشته است و تلاش می‌کند که این رابطه را تا حد گشایش سفارت در این کشور انقلابی، یعنی عضو دیگر همین جبهه ارتقاء بخشد. به همین دلیل هم بود که در اعلامیه مشترک روی حمایت جمهوری اسلامی ایران از جبهه پایداری تأکید خاصی به عمل آمده بود، از جمله در ماده ۸ اعلامیه گفته شد:

"دو طرف موکداً معتقدند که تنها راه از میان بردن رژیم غاصب صهیونیستی مبارزه قاطع و مستمر همه مسلمانان و نیروهای آزادیبخش و پیشرو بوده و بر این اساس جمهوری اسلامی ایران از مواضع مبارزاتی جبهه پایداری به ویژه سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین در رویارویی با رژیم اشغالگر صهیونیستی پشتیبانی می‌کند." در کنار روندهای مثبت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، روندهای پیچیده و گاه "متناقض" نیز دیده می‌شود که ناشی از خصالت پیچیده و پرتناقض انقلاب ما از یک سو و پیچیدگی و بغرنجی روابط بین‌المللی از سوی دیگر است. از جمله بسیاری از دوستان و رفقا پرامون گسترش روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با رژیم نای امریکایی ترکیه و پاکستان از ما سوال می‌کنند.

اولین نکته در گسترش روابط بین‌المللی اینست که ما اصل گسترش روابط برابر-حقوق با رژیم‌هایی نظیر رژیم امریکایی ترکیه و پاکستان را بطور کلی مردود نمی‌شناسیم، واقعیات پیچیده و در عین حال عینی جهان معاصر، چنین روابطی را ناگزیر می‌سازد. لیکن گسترش ایس روابط می‌باید اولاً "متکی باشد بر اتخاذ بدون خدشه یک سیاست خارجی صدامپریالیستی و استقلال‌طلبانه، که اساساً متوجه تحکیم روابط کشور ما با جبهه جهانی صدامپریالیستی است که کشورهای سوسیالیستی قلب آنرا می‌سازند، و ثانیاً باید با وقوف کامل به ماهیت این گونه رژیم‌ها و با حفظ هوشیاری و آگاهی بر اهداف و نقشه‌هایی که متضمن حفظ استقلال، سود متقابل، عدم مداخله در امور داخلی است و بر پایه حفظ و تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی بدون خدشه میهنان و روابط برابر-حقوق باشد.

رژیم‌های پاکستان و ترکیه، رژیم‌هایی تا مغزاستخوان وابسته به امریکا هستند، کالاهایی که از این کشورها به سوی کشور ما سرازیر می‌شود، کالاهای وارداتی از امریکا و از کشورهای اروپای غربی و همه جهان امپریالیستی است، باید توجه داشت که مناسبات اقتصادی و سیاسی با این گونه رژیم‌ها، کانالی برای نفوذ اقتصادی و سیاسی کشورهای امپریالیستی و مجرای برای احیاء روابط وابستگی با جهان امپریالیستی نگردد. آنچه که معیار اصلی قضاوت ماست، میزان تأثیری است که این گونه روابط، بر سیاست بدون خدشه صدامپریالیستی و استقلال‌طلبانه برجای می‌گذارد. بدیهی است که هرگاه گسترش این روابط به گونه‌ای باشد که بر سیاست خارجی مستقل و صدامپریالیستی ما تأثیری، به سود سرمایه‌داری جهانی یعنی امپریالیسم بگذارد ما این روابط را محکوم شناخته و آنرا خلاف مصالح میهن خود می‌دانیم. برعکس هرگاه گسترش این روابط گونه‌ای باشد که مصالح انقلاب را محفوظ نگه‌داشته و انقلاب را در جهات گوناگون و در شرایط پیچیده و بغرنج کنونی، در مقابله با مشکلات و دشواری‌ها توانا تر سازد، ما آنرا گامی مثبت در گسترش روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌کنیم. در یک کلام آنچه برای ما معیار دآوری است اینست که: آیا این مناسبات به استقلال اقتصادی و خودکفایی ما یاری خواهند رسانید؟

روابط با رژیم‌های ترکیه و پاکستان از نظر بسط مناسبات برابر-حقوق با کشورهای همسایه و گوش برای خنثی ساختن توطئه‌های امپریالیسم امریکا که می‌کوشد این رژیم‌ها را علیه انقلاب ایران وارد مهرکه کارزار کند و با قلنداد کردن جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک عامل خطرناک توسعه طلب و تجاوزکار، جمهوری اسلامی ایران را منزوی سازد، البته مثبت است و می‌تواند به مصداق سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز و برابر-حقوق جمهوری اسلامی با رژیم‌های گوناگون باشد.

موج اخیر کمونیسم ستیزی که در جریان جشن‌های سالگرد انقلاب به طور سازمان یافته و هم‌آهنگ در سرتاسر ایران و حتی خارج کشور، علیه کمیته مرکزی سازمان و حزب توده ایران، از مرکزی واحد هدایت می‌شد، اکنون ابعاد تازه‌تری یافته است. موضع قاطع و بدون تزلزل سازمان در دفاع از وحدت برگشت‌ناپذیر حزب و سازمان و مبارزه بدون تزلزل در راه تحقق آن، دشمنی کینه‌توزانه سادگان خط نفاق و رهروان راه سرمایه‌داری و سرسپردگان امپریالیسم را علیه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برانگیخته است.

هدف مقدم لجن‌پراکنی و توطئه علیه کمیته مرکزی حزب و سازمان متوجه مخدوش ساختن مواضع حزب و سازمان در دفاع بیکر و قاطع از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی و مبارزه آشتی‌ناپذیر ما با جبهه متحد ضد انقلاب به سرکردگی امریکای جنایتکار است. دشمنان جنبش اصیل کارگری ایران در عین حال می‌کوشند به اعتماد توده‌های مردم محروم نسبت به رهبری سازمان و حزب آسیب رسانند و این رهبری را که در راه شکوفایی جمهوری اسلامی ایران در راستای تأمین منافع محرومان می‌رزمند در نزد توده‌های محروم و نیروهای انقلابی بی‌اعتبار سازند.

رهبران گروه توطئه‌گر هلیل رودی و همفکران، اخیراً با هدف بی‌اعتبار کردن رهبری سازمان و دودوزه بازی سیاسی اعلامیه‌ای با امضای جعلی عدمای از گذارها و مسئولین سازمان با انتشار دادماند که در آن موضوع نامه گروهی از اعضاء و هواداران سابق سازمان مجاهدین در افشای چهره باند خائن رجوی - بنی‌صدر که برای سازمان با ارسال شده بود و در کار ۱۲۱ تحت عنوان "کم‌کرده راهان باز می‌آیند" انتشار یافت ساختگی قلمداد گردماند. کار این گروه توطئه‌گر به آنجا کشیده است که برای بی‌اعتبار کردن رهبری سازمان به گتیف‌ترین و بیشرمانه‌ترین و در عین حال مضحک‌ترین دروغ‌ها و شیوه‌ها متوسل شده‌ماند. آنها در این اعلامیه مدعی شده‌ماند که گویا برخی از مسئولین سازمان عدمای از اعضاء سازمان را مامور کرده‌ماند که با جعل امضای مجاهدین نامهای با مضمون فوق نوشته و آنها تأیید کنند و برای همان مسئولین سازمان ارسال دارند تا این نامه را در کار انتشار دهند و از آن به زبان مجاهدین به اصطلاح بهره‌برداری کنند. الحق که در برابر اینهمه پستی و زبونی و زشت‌خویی مضحک، هزار افسوس هم کم است. سقوط این باند البته قابل پیش‌بینی بود. البته نه با این سرعت تا این حد. توسل به چنین شیوه‌هایی تنها می‌تواند بیانگر عمق نفوذ عناصر توطئه‌گر مشکوک و ضدانقلابی در دست بندی کشتگر - هلیل رودی باشد و نه هیچ چیز دیگر. سقوط این توطئه‌گران به منجلات ضد کمونیسم که مایه نفرت و انزجار هر انقلابی صادق است، فقط می‌باید هشاری همه ما را در شناخت و خنثی سازی این گونه توطئه‌ها که علیه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و در آینده نیز علم خواهد شد، هرچه بیشتر افزایش دهد.